



بررسی رده شناختی ساخت‌های همراهی در زبان فارسی

سیما صارمی مقدم^۱

هنگامه واعظی^{۲*}

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی ساخت‌های همراهی فارسی با اتکا بر رویکرد رده‌شناسی استولز و همکاران (۲۰۰۶) می‌پردازد. آنها سه رده‌زبانی (A)، (B) و (C) را در طبقه‌بندی زبان‌ها پیشنهاد کرده‌اند. هدف این است که بدانیم ساخت‌های همراهی فارسی دارای چه ویژگی‌هایی است و زبان فارسی در کدام گروه از رده‌های پیشنهادی قرار دارد. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که ساخت‌های همراهی فارسی به سه نوع رابطه‌همراهی، ابزاری و حالت تقسیم می‌شود. گروه اول، شامل سه زیرمجموعه همراهی جاننداری با جاندار دیگر، جاننداری با خودش و چندین جاندار در یک گروه است. گروه دوم، شیء در مقام ابزار، وسایل حمل‌ونقل، عضو بدن و ابزار جاندار می‌باشد. گروه سوم، همراهی با مفاهیم عاطفی حالت رویداد فعل را نشان می‌دهد. سازه‌های درونی ساخت‌های همراهی شامل همراهی‌کننده، همراهی‌شونده و رابط میان آنهاست. بررسی شواهد زبان فارسی با استناد بر ویژگی‌های اصلی (عاملیت، همپایگی و مالکیت) و فرعی (مقید بودن، کاربرد بدون فقدان نشانه) نشان می‌دهد که این زبان بر خلاف زبان‌هایی مانند ارمنی، سواحیلی و ایسلندی در زبان‌های گروه (B) قرار می‌گیرد و همانند زبان‌های آلمانی و سوئدی عمل می‌کند.

کلید واژه‌ها: حرف اضافه ((با))، رده، زبان فارسی، ساخت‌های همراهی.

✉ | Sima.saremi88@gmail.com

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

✉ | hengamehvaezi@yahoo.com

۲- استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

با وجود عدم توافق دست‌نویسان و زبان‌شناسان بر روی ماهیت دقیق حرف‌اضافه، این قسم از کلام مورد علاقه آنان بوده است. یکی از حروفی که مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان جهان قرار گرفته است، حرف اضافه (با) است که در زبان فارسی فقط در چند مورد محدود بررسی تحولات و بررسی شبکه معنایی، توجه چندانی به آن نشده است و پژوهشی در زمینه رده‌شناسی نیز در آن به چشم نمی‌خورد. با توجه به علاقه زبان‌شناسان غیرایرانی به این حرف‌اضافه پژوهش‌هایی انجام شده است که یکی از این پژوهش‌ها مربوط به رده‌شناسی حرف‌اضافه (با) تحت عنوان ساخت همراهی توسط استولز و همکاران (۲۰۰۶) می‌باشد. آنها با گردآوری پیکره زبانی گسترده و با مطالعه بر روی ۳۲۳ زبان در سطح دنیا، دسته‌بندی متمایزی را نسبت به استیسن (۲۰۰۰) ارائه نمودند. به اعتقاد آنها حرف‌اضافه (با) در ساخت همراهی برای نشان‌دادن سه رابطه متفاوت به کار می‌رود: الف) رابطه همراهی ب) رابطه‌ایزاری پ) رابطه‌حالت. آنها با در نظر گرفتن چند معیار مشترک در تمامی زبان‌های پیکره زبانی خود، به تعیین رده زبانی پرداختند و با توجه به رفتارهایی که زبان‌ها بر اساس معیارهای مشخص شده از خود بروز می‌دادند و تفاوت زبان‌ها بر اساس ساخت همراهی توانستند سه نوع رده‌زبانی (A)، (B) و (C) را از یکدیگر متمایز سازند.

مطالعات گذشته نشان می‌دهد که چنین بررسی‌هایی در زبان فارسی صورت نگرفته است؛ لذا پژوهش حاضر درصدد است که خلاء علمی و توصیف‌های مربوط به حرف‌اضافه (با) را در این زبان موشکافانه بررسی کند تا دقیقاً رده زبانی فارسی را تعیین نماید. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. داده‌های مورد بررسی در این تحقیق از میان مثال‌های دست‌نویسان، سخن‌گویان فارسی‌زبان و کتاب‌های زبان‌شناسی گردآوری و دسته‌بندی شده‌اند. بدین جهت در پژوهش حاضر ابتدا اجزای تشکیل‌دهنده ساخت همراهی و تکواژ دستوری (با) معرفی شده سپس از لحاظ معنایی مورد بررسی قرار می‌گیرد آنگاه با توجه به دسته‌بندی استولز و همکاران (۲۰۰۶) عملکرد این حرف‌اضافه در زبان فارسی بررسی و رده‌زبانی آن تعیین می‌گردد. در بخش دوم حرف‌اضافه (با) از لحاظ رده‌ای و با توجه به چارچوب‌نظری مورد نظر پژوهش قرار می‌گیرد تا مشخص شود زبان فارسی در کدامیک از رده‌های زبانی نوع (A)، (B) و یا (C) قرار می‌گیرد.

۲- پیشینه پژوهش

مطالعه سوابق نشان می‌دهد که در بررسی‌های دست‌نویسان عمدتاً حروف‌اضافه و انواع آن در محتوای بافتی حرف‌اضافه (با) مورد بررسی بوده است. در چنین تحلیل‌هایی، حروف‌اضافه و انواع آنها به لحاظ معنایی در جملات فارسی بررسی شده‌اند (انوری، ۱۳۸۰؛ پنج استاد، ۱۳۵۰؛ خطیب‌رهبر، ۱۳۶۷؛ شریعت، ۱۳۷۲؛ ناتل-خانلری، ۱۳۷۳؛ همایونفر، ۱۳۶۳). زبان‌شناسان هر کدام با اتکا بر نظریه‌های زبان‌شناسی در دوره‌های متفاوت شبکه‌معنایی حرف‌اضافه (با) را مورد بررسی قرار دادند و انواع معنای آن را تعیین کردند که هر یک با توجه به معنای خاص خود در چه ساختی و چگونه به کار می‌رود (صادقی، ۱۳۴۹؛ مختاری و رضایی، ۱۳۹۲ و

مشکوة‌الدینی، ۱۳۷۰). هدف از این بررسی‌ها عمدتاً حروف‌اضافه به‌ویژه بررسی شبکه‌معنایی حرف‌اضافه (با) بوده است که با رویکرد شناختی به نتیجه رسیده‌اند. اما یکی دیگر از مطالعات که مستقیماً به ساخت‌همراهی اشاره کرده‌اند و تحلیلی معنایی در زمینه چنین ساختی در زبان فارسی داشته است (واعظی، ۱۳۹۴) است؛ در این بررسی ساخت‌همراهی به دو گروه متقارن و نامتقارن معرفی شده‌اند. در این پژوهش در گروه متقارن ویژگی‌های مشترک میان حرف ربط (و) در همپایگی با حرف اضافه (با) در ساخت همراهی مورد بحث قرار گرفته‌اند. بنابراین از نظر وی (با) می‌تواند در دو جایگاه قرارگیرد؛ یکی رابط و پیونددهنده و دیگری افزوده است. به‌علاوه در این رویکرد، زبان فارسی در گروه زبان‌های AND قرار دارد که استیسن (۲۰۰۰) معرفی کرده است.

۳- چارچوب نظری

ساخت‌همراهی برای بیان روابط همراهی به‌کارمی‌رود و شامل دو عضو است، که یک عضو، عضو دیگر را همراهی می‌کند. برای نمونه حرف‌اضافه (mit) در زبان آلمانی معادل حرف‌اضافه (with) در زبان انگلیسی که برای نشان دادن این روابط به‌کارمی‌رود. نمونه‌های آلمانی نشان‌می‌دهند که حرف‌اضافه (mit) در این زبان سه نوع نقش را آشکار می‌سازد. اولین نقشی که برای آن معرفی شده است، نقش همراهی با کسی است که همراهی نامیده می‌شود. در نمونه دوم، حرف‌اضافه (با) ابزاری است که شخص با آن کاری را انجام داده است که نقش ابزاری نامیده می‌شود. آخرین نقش، حالت شخص را هنگام انجام کنش فعل نشان‌می‌دهد مانند با خوشونت (استولز و همکاران، ۲۰۰۶).

برای زبان‌شناسان به‌ویژه رده‌شناسان جهان جالب است که بدانند آیا چنین روابطی در زبان‌های دیگر فراتر از زبان فردی وجود دارد یا خیر، و اگر وجود دارد، آیا این یک الگوی جهانی است یا یک نمونه است که تنها در زبان خاصی به‌کار می‌رود. بررسی ساخت‌همراهی در زبان‌های مختلف نشان داده است که کاربرد حرف‌اضافه (با) در هر زبانی روابط متفاوتی را با شیوه‌های متنوع نشان می‌دهد. بنابراین خصوصیت، در این نوع ساخت انواع رده‌بندی زبانی را ارائه کرده‌اند. استولز و همکاران (۲۰۰۶) در بررسی خود مبحث ساخت‌همراهی را به رده‌بندی زبانی مرتبط دانسته‌اند؛ دلیل این امر آن است که می‌توان زبان‌ها را براساس کاربردهای ساخت‌همراهی به رده‌های متفاوتی تقسیم کرد.

۳-۱- رده‌بندی زبان‌ها بر مبنای ساخت‌همراهی

استولز و همکاران معتقدند که زبان‌هایی که از نظر ژنتیکی به هم وابسته‌اند، یا متعلق به یک گروه هستند و یا از لحاظ جغرافیایی به هم نزدیک هستند، رابط در آن زبان‌ها، رفتارهایی شبیه به هم دارند و مانند هم عمل می‌نمایند، در چنین وضعیتی می‌توان آن زبان‌ها را به یک گروه اختصاص داد. با توجه به مطالعات انجام شده، اکثریت قریب به اتفاق زبان‌ها نشانه‌های جداگانه‌ای برای حالت‌های همراهی و ابزاری به‌کار می‌برند، از بین زبان‌های مورد مطالعه زبان‌های نوع (A) با تعداد ۲۰۹ زبان به‌طور واضحی غالب و زبان‌های نوع (B) فقط

شامل ۷۹ زبان است. اما کوچکترین گروه زبانی متعلق به نوع (C) است که با توجه به پیکره‌ی زبانی استولز شامل ۳۵ زبان در سطح جهان می‌باشد. آنها در بررسی خود سه ویژگی اصلی (عاملیت، مالکیت و همپایگی) و سه ویژگی فرعی (بی‌نشانی، مقید بودن و صورت منفی (با)) را معیار ارزیابی خود قرار دادند.

۳-۱-۱- زبان‌های نوع (A)

زبان‌های غالب نوع (A)، نشانه‌های متفاوت و جداگانه‌ای برای نشان‌دادن حالت همراهی و ابزاری دارند، برای نمونه زبان تروما^۱ زبان ساکنان آمازون است که در آن دو رابط جداگانه برای روابط همراهی و ابزاری به کار می‌رود.

۳-۱-۲- زبان‌های نوع (B)

از ویژگی‌های مهم و بارز زبان‌های نوع (B) این است که فقط یک نشانه به‌عنوان رابط طیف گسترده‌ای از توابع ساخت همراهی و ابزاری را پوشش می‌دهد مانند زبان آلمانی.

۳-۱-۳- زبان‌های نوع (C)

زبان‌های نوع (C) که کوچکترین دسته زبان‌های مورد مطالعه‌ی استولز و همکاران (۲۰۰۶) را شامل می‌شوند، روش متفاوتی را در انتخاب رابط همراهی و ابزاری نسبت به دو گروه دیگر دارند. در حقیقت زبان‌های این گروه، ترکیبی از هر دو نوع روش در زبان‌های گروه (B) و (A) را مورد استفاده قرار می‌دهند.

۴- تحلیل داده‌های فارسی

یکی از پرکاربردترین حروف اضافه در زبان فارسی، حرف اضافه (با) است. حرف اضافه (با) در زبان فارسی دارای معانی متعددی است و در فرهنگ‌های زبان فارسی معانی مختلفی در توضیح این حرف اضافه به ثبت رسیده است. همراهی و مصاحبت (مثال ۱)، مقابله و مقایسه (مثال ۲)، به معنای به (مثال ۳)، به معنای با وجود (مثال ۴) و در ترکیب با کلمات دیگر این حرف اضافه به معنای دارنده و صاحب است، مثل: با آبرو، با ادب، باهوش، باخرد.

(۱) فریدون با بهرام آمد.

(۲) این کاغذ با آن کاغذ فرق دارد.

(۳) با یاد آمد.

(۴) با این همه کار چگونه درس بخوانم.

در ادامه این بخش داده‌های جمع‌آوری شده فارسی را بررسی نموده و بر مبنای چارچوب نظری، برای دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها می‌پردازیم که زبان فارسی در ساخت همراهی چه گونه‌هایی را نشان می‌دهد و در کدام رده زبانی قرار می‌گیرد. ابتدا، ساخت همراهی فارسی از نظر معنایی و ساختاری به صورت مجزا مورد

بررسی قرار گرفته و دسته‌بندی می‌شود. سپس بعد از طبقه‌بندی ساخت همراهی، انواع آن معرفی شده و در ادامه، داده‌ها با معیارهای رده‌شناختی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند تا مشخص شود زبان فارسی در کدام رده زبانی قرار دارد.

۴-۱- اجزای تشکیل‌دهنده روابط همراهی فارسی

برطبق نظریه استولز و همکاران (۲۰۰۶) ساخت همراهی از همنشینی (با) و دو گروه اسمی تشکیل می‌شود که به لحاظ ویژگی معنایی دو حالت را نشان می‌دهند؛ در یکی، هر دو عضو، ویژگی [+ جاندار] را دارند؛ اما در حالت دیگر می‌توانند دو گروه اسمی با دو ویژگی متفاوت باشند، یکی انسان و دیگری غیرانسان. هر کدام از گروه‌های اسمی خصوصیات مخصوص به خود را دارد؛ تغییر در ویژگی‌های هر کدام از گروه‌های اسمی باعث ایجاد تغییر در نوع رابطه می‌شود. مهمترین ویژگی عبارت‌های اسمی [± انسان] بودن آنهاست. عبارت اسمی اول که در اکثر مواقع دارای ویژگی [+ انسان] است، همراهی‌کننده نامیده می‌شود و مهمترین عضو از روابط همراهی محسوب می‌شود. این گروه اسمی می‌تواند یک اسم یا یک ضمیر باشد. گروه اسمی دوم همراهی‌شونده نامیده می‌شود و مانند همراهی‌کننده می‌تواند یک اسم یا یک ضمیر باشد. سومین عضو از روابط همراهی که به‌عنوان اتصال‌دهنده همراهی‌کننده به همراهی‌شونده است رابط نام دارد که در زبان فارسی با حرف‌افزایی (با) به نمایش درمی‌آید. رابط، در زبان‌های مختلف صورت‌های ساختاری متفاوتی دارد، در بعضی از زبان‌ها تکواژ آزاد و در بعضی دیگر تکواژ وابسته است. در برخی از زبان‌ها صورت واحدی از رابط برای نمایش همه روابط ساخت‌همراهی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ در برخی دیگر از زبان‌ها مشاهده شده است که رابط صورت متفاوتی دارد. براساس تحقیقات به‌عمل آمده، در زبان فارسی فقط یک صورت ساختاری واحد برای نمایش رابط در ساخت همراهی وجود دارد.

با استناد بر چارچوب نظری استولز و همکاران (۲۰۰۶)، ساخت همراهی فارسی به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف- رابطه‌همراهی، ب- رابطه‌ابزاری و پ- رابطه‌حالت. در رابطه‌همراهی دو عضو که ویژگی [+ جاندار] را دارند با یکدیگر همراه شده و در انجام رویداد فعل شرکت دارند؛ این دو عضو می‌توانند اسم یا ضمیر باشند که نقش همراهی را در این رابطه از تکواژ دستوری (با) دریافت کنند. در رابطه‌ابزاری نیز مانند رابطه‌همراهی دو عضو شرکت دارند، با این تفاوت که عضو اول در رابطه ابزاری ویژگی [+ انسان] را دارد. اما عضو دوم انسان نبوده و ویژگی [- انسان] دارد. عبارت اسمی دوم ابزاری است که جهت انجام رویداد فعل مورد استفاده عضو اول قرار می‌گیرد و عضو اول با کمک آن ابزار اقدام به انجام کاری می‌نماید. حرف‌افزایی (با) در این رابطه نقش ابزاری را ایفا می‌نماید. اما رابطه‌حالت با دو رابطه مذکور کمی متفاوت است؛ زیرا در آن، حالت انجام کنش فعلی توسط یک عضو انجام می‌شود؛ عضو دوم همان حالت عضو اول مانند (شادی) را در انجام رویداد فعل نشان می‌دهد و می‌توان کنش فعل را از حرف اضافه (با) درک نمود.

۴-۱-۱- رابطه همراهی

در رابطه همراهی، همراهی‌کننده و همراهی‌شونده برای رسیدن به هدفی مشترک با یکدیگر همسو شده‌اند. این همراهی لزوماً از نوع رویداد فیزیکی نیست و می‌تواند حالت انتزاعی نیز باشد (مثال ۶). این رابطه بین یک، دو یا چند انسان/جاندار پدید می‌آید و بر طبق خصوصیات اعضای آن (همراهی‌کننده و همراهی‌شونده) به سه دسته تقسیم می‌شود:

همراهی یک جاندار با جاندار دیگر:

در این نوع رابطه همراهی‌کننده و همراهی‌شونده که دو گروه اسمی مجزا هستند ویژگی [+جاندار] دارند. دو گروه اسمی، دو جاندار متفاوت هستند که هر دو همزمان یک رویداد را انجام داده‌اند (۵ الف و ب).

۵- الف) من با دخترم به سینما رفتیم.

ب) شیر با توله‌اش آهو را خورد.

در این جمله‌ها (من/شیر) عضو همراهی‌کننده و گروه اسمی (دخترم/توله‌اش) عضو همراهی‌شونده، دو جاندار متفاوتند که هر دو ویژگی [+جاندار] داشته و در یک واقعه با یکدیگر همراه‌اند. اولین مفهومی که از حرف اضافه (با) از این جمله به ذهن می‌رسد مفهوم همراهی است و شنونده با شنیدن آن جمله (۵') را استنباط می‌نماید:

۵' - الف) من همراه دخترم به سینما رفتیم.

ب) شیر همراه توله‌اش آهو را خورد.

حرف اضافه (با) در رابطه همراهی علاوه بر مفهوم «همراه بودن» می‌تواند مفاهیم دیگری نیز داشته باشد.

۶- سارا با سمیرا موافق بود.

اصلی‌ترین معنایی که از حرف اضافه (با) در ساخت همراهی دریافت می‌شود، مصاحبت و همراهی است، برخی از افعال در بکارگیری رابط (با) اجبار دارند؛ یعنی متمم (با + گروه اسمی) برای آنها به لحاظ معنایی اجباری است. (با) واسطه برقراری ارتباط بین فاعل، فعل و عضو دیگر را فراهم می‌سازد. برای مثال، در تحقق رویداد فعل (موافق بودن) حضور دو عضو ضروری است که همان همراهی‌کننده و همراهی‌شونده در این ساختار هستند. در جمله (۶) رابط (با)، نوعی ارتباط بین همراهی‌کننده (سارا) و همراهی‌شونده (سمیرا) که هر دو ویژگی [+انسان] دارند را ایجاد نموده است، البته ارتباط و همراهی آنها در انجام عملی است و انتزاعی می‌باشد. منظور از رویداد فیزیکی و انتزاعی به نوع فعل بستگی دارد. «موافق بودن» فعلی است که در آن تحقق کنش فیزیکی نیست.

۱. از داور محترم برای پیشنهاد و ارائه نمونه دیگر بسیار سپاسگزاریم.

همراهی یک جاندار با خودش:

در این بخش برخلاف دسته اول که عبارات اسمی همراهی‌کننده و همراهی‌شونده دو شخص متمایز هستند، فقط یک شخص به‌عنوان همراهی‌کننده و همراهی‌شونده به کار می‌رود.

۷- الف - کیوان با خودش گفت.

ب - گربه با خودش بازی می‌کرد.

گاهی در رابطه همراهی، یک نفر هم به‌عنوان همراهی‌کننده و هم به‌عنوان همراهی‌شونده به کار می‌رود؛ در این حالت همراهی‌شونده ضمیر شخصی است که مرجع آن همراهی‌کننده بوده و هر دو نقش به یک فرد تعلق دارد. در مثال (۷) ضمیر شخصی (خودش) که در نقش همراهی‌شونده ظاهر شده است به (کیوان/گربه) که همراهی‌کننده است باز می‌گردد. در این حالت، حرف اضافه (با) همراه با ضمیر شخصی (خودش) ترکیبی را به وجود می‌آورد که عمل فعل به فاعل باز می‌گردد.

چندین جاندار در یک گروه:

تعداد اعضای این گروه بیش از دو عضو است؛ یعنی یک همراهی‌کننده با دو یا چند همراهی‌شونده در تعامل است و به‌صورت گروهی در حال انجام کنش فعل در یک زمان واحد هستند.

۸- الف - بچه‌ها! جارو کردن خانه با من.

ب - شیر با توله‌هایش آهو را خورد.

با شنیدن جمله (۸- الف) در ذهن شنونده خانه‌ای تداعی می‌شود که چند نفر در آنجا حضور داشته و قصد نظافت و مرتب‌نمودن آن خانه را دارند؛ یکی از اعضای این گروه نیز وظیفه جاروکردن را به‌عهده گرفته‌است. نشانه (با) در این نمونه، مفهوم (برعهده) را دارد. در جمله (۸- ب) می‌توان یک شیر را با توله‌هایش تصور نمود که همراه با یکدیگر مشغول خوردن آهو هستند. نشانه (با) در این جمله به معنای همراهی است. با بررسی داده‌های زبانی فارسی سه نوع رابطه‌همراهی مشخص شد که هر کدام از آنها دارای ویژگی‌های مخصوص به خودشان هستند، اما ویژگی مشترکی که در هر سه نوع رابطه همراهی به‌طور آشکار دیده می‌شود این است که اعضای شرکت‌کننده در هر سه رابطه همراهی ویژگی [+جاندار] را دارند اما در تعداد اعضای هر گروه با یکدیگر متفاوت هستند، این تفاوت موجب به‌وجود آمدن سه گروه متمایز از هم شده است.

۴-۱-۲ - رابطه ابزار

داده‌های فارسی گویای وجود نوع دیگری از ساخت‌همراهی هستند که رابطه ابزار نامیده می‌شود. در رابطه ابزاری نیز مانند رابطه همراهی، دو گروه اسمی توسط یک رابط به هم متصل می‌شوند؛ با این تفاوت که در رابطه ابزاری، اسم اول (کاربر) ویژگی [+انسان] و اسم دوم (ابزار) ویژگی [-انسان] دارند. بنابراین رابطه ابزاری، رابطه‌ای است که یا بین یک انسان با یک ابزار یا شیء و یا بین یک انسان با یک حیوان برقرار می‌شود. رابطه ابزاری نیز مانند رابطه همراهی خود انواع متفاوتی دارد.

شیء به عنوان ابزار

در این رابطه، فردی شیء‌ای را به عنوان ابزار در انجام رویداد فعل به کار می‌برد. نشانه (با) واسط میان شخص و جسمی است که فرد (کاربر) از آن استفاده کرده است تا عملی را انجام دهد.

۹- علی با طناب برای بچه‌ها تاب درست کرد.

در جمله (۹) کاربر (علی) با استفاده از ابزار (طناب) رویداد (درست کردن تاب) را محقق کرده است. در این نوع جملات، سازه (با + عبارت اسمی) نشان دهنده یک آلت یا ابزار است که برای کنش فعل مورد استفاده قرار می‌گیرد و نشانه (با) به معنای (بوسیله) می‌باشد. رابطه ابزاری در تمام سازه‌هایی که در آن حضور دارند، نقش‌های یکسانی را ایفا نمی‌کنند، در پاره‌ای از مواقع یک ابزار نقش متفاوتی را در جمله نسبت به سازه‌های مشابه دیگر که دارای رابطه ابزاری هستند را اعمال می‌نمایند. این نوع عملکرد گروه ابزاری منوط به نوع فعل و وابسته‌هایش است که با توجه به ماهیت معنایی فعل، نشان دهنده عملکردهای متفاوتی هستند. به جمله‌های زیر توجه نمایید:

۱۰- علی در را با کلید زنگ زده باز کرد.

۱۱- پدر بزرگ سوپ را با قاشق چوبی خورد (واعظی، ۱۳۹۴: ۱۳۸).

در مثال‌های بالا حرف اضافه (با) به همراه یک ابزار به کار رفته، اما متمم‌های متفاوت در این جملات موجب تمایز عملکرد آنها شده است. در جمله (۱۰)، (کلید زنگ زده) گروهی است که در آن ابزار (کلید) موجب عمل (باز شدن در) است، این گروه از انواع ابزاری را مارانتز (۱۹۸۴: ۲۴۶) عامل واسطه‌گری^۱ می‌نامد. بنابراین (علی) بر روی کلیدزنگ زده کنشی را انجام می‌دهد سپس کلید زنگ زده موجب باز شدن در می‌شود. اما در مثال (۱۱) (قاشق چوبی) نیز یک ابزار است که کنشی در عمل (خوردن) دارد. این ابزار یعنی (قاشق چوبی) متفاوت از ابزار در مثال قبلی یعنی (کلید زنگ زده) عمل می‌نماید. در این جمله (پدر بزرگ) کنش خوردن را بر روی قاشق انجام می‌دهد اما این قاشق نیست که سوپ را می‌خورد. این نوع عملکردها و تفاوت‌ها در گروه ابزاری به نوع فعل و وابسته‌هایش بستگی دارد که با توجه به ماهیت معنایی فعل، عملکرد آنها را مجاز می‌نماید. مارانتز (۱۹۸۴) این نوع از ابزار را تسهیل کننده کنش^۲ می‌نامد.

وسایل حمل و نقل

دسته دیگری از ابزارهایی که در زندگی روزمره با آنها سروکار داریم، وسایل حمل و نقل هستند. حمل و نقل؛ جابجایی و انتقال انسان و کالا از مکانی به مکان دیگر است. در این شرایط فرد عملی انجام نمی‌دهد و رویداد فعل با کمک وسیله یا ابزاری متحرک تحقق می‌پذیرد. وسایل حمل و نقل به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: (۱) وسایل حمل و نقل جاندار و (۲) وسایل حمل و نقل غیرجاندار. پس در زبان فارسی ویژگی [± جاندار] در وسایل حمل و نقل مطرح است.

1. Intermediary Agent
2. Facilitating

وسایل حمل و نقل جاندار

این نوع از وسایل حمل و نقل حیواناتی مانند اسب، شتر و مانند اینها هستند که توسط فردی (کاربر) کنترل می‌شوند و قادر به جابجایی انسان یا کالا هستند:

۱۲- علی با اسب از آنجا دور شد.

در نمونه بالا علی (کاربر) بوسیله (اسب) که ویژگی [- انسان] و [+ جاندار] دارد، از جایی به جای دیگر جابجا شده و کاربر با ویژگی [+ انسان] مسیر حرکت را کنترل می‌کند. در اینجا کنش فعل مستقیماً با گروه [با + عبارت اسمی] ارتباط دارد و چون معنای حرف اضافه (با)، (بوسیله) است، پس رابط ابزاری محسوب می‌شود.

وسایل حمل و نقل غیرجاندار

این گروه شامل وسایل حمل و نقل موتوری و غیرموتوری هستند که برای جابجایی انسان یا کالا از مکانی به مکان دیگر استفاده می‌شوند، کنترل حرکت می‌تواند توسط خود فرد یا فرد دیگری صورت گیرد.

۱۳- رضا مسیر محل کار و منزل خود را با دوچرخه طی می‌کند.

در جمله بالا کاربر (رضا) از (دوچرخه) برای جابجایی از یک نقطه به نقطه دیگر استفاده کرده است در این جمله، وسیله نقلیه (دوچرخه) بوسیله کاربر کنترل می‌شود.

۱۴- سربازان با هلیکوپتر در مانور شرکت نمودند.

در این جمله نیز کاربر (سربازان) مبادرت به انجام کاری (جابجایی) بوسیله ابزار حمل و نقل (هلیکوپتر) نموده است. در اینجا کنترل وسیله نقلیه با عضو سوم است و حرف اضافه (با) برای نشان دادن رابطه ابزاری استفاده شده است.

عضو بدن

حرکت و انتقال می‌تواند بوسیله اعضای بدن فرد صورت گیرد یعنی فقط اشیاء نیستند که می‌توانند نقش ابزاری داشته باشند، گاهی اعضای بدن انسان نیز به‌عنوان ابزاری تلقی شوند و کاربر (خود انسان) از عضو بدن خود به‌عنوان ابزار استفاده نموده و به‌وسیله آن کاری را انجام می‌دهد:

۱۵- او غذا را با دست‌هایش خورد.

در مثال (۱۵) کاربر (او) عمل خوردن غذا را مستقیماً و بدون استفاده از قاشق و چنگال و به وسیله دست‌هایش انجام داده است، در اینجا رویداد فعل بوسیله (با + عبارت اسمی) یعنی (با دست‌هایش) انجام شده است. بنابراین (دست‌هایش) به‌عنوان ابزاری تلقی می‌شود که عمل خوردن غذا را انجام داده است. بنابر دیدگاه استولز و همکاران (۲۰۰۶) از آنجایی که (با + عبارت اسمی) به رویداد فعل نزدیکتر است و در آن رویداد دخالت دارد، ابزار محسوب می‌شوند و جزء گروه ابزار عضو بدن هستند.

ابزار جاندار

در این دسته از روابط ابزاری، حرف اضافه (با) با یک عبارت اسمی که ویژگی [-انسان] و [+جاندار] دارد همراه شده و کنش فعل به [+عبارت اسمی] ارجاع داده می‌شود.

۱۶- حسن مزرعه را با گاو شخم زد.

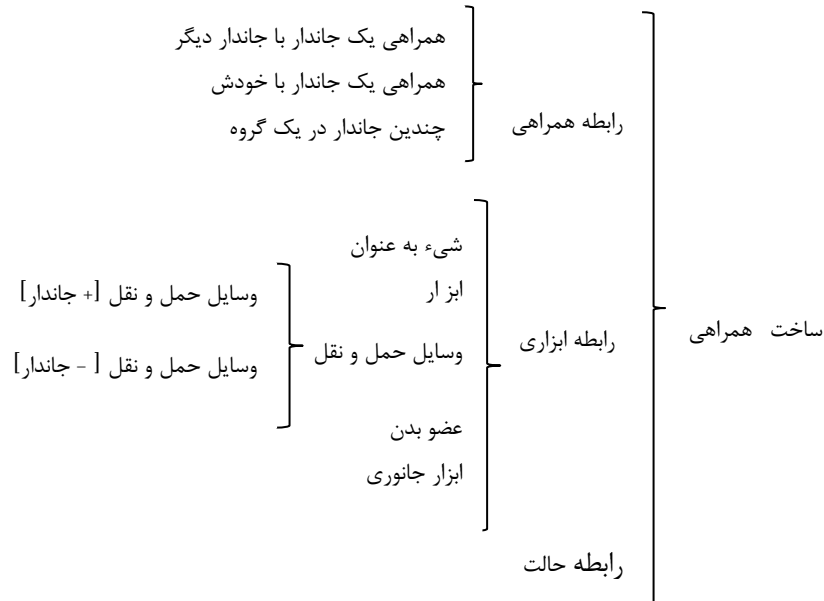
در نمونه فوق (گاو) به‌عنوان ابزاری در انجام رویداد فعل‌های (شخم زدن) توسط (حسن) مورد استفاده قرار گرفته است. (گاو) ویژگی [-انسان] و [+جاندار] دارد. در این جمله رویداد فعل به [+گروه اسمی] نسبت داده شده است؛ چون [+گروه اسمی] به رویداد فعل نزدیکتر است، بنابراین رابط ابزاری محسوب شده و چون ویژگی [-انسان] و [+جاندار] دارد در گروه ابزار جاندار ساخت‌همراهی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۳- رابطه حالت

مرور شواهد ساخت‌همراهی در این زبان نشان می‌دهد که حرف اضافه (با) می‌تواند با واژه‌هایی مانند تندی، ناراحتی و مانند اینها همراه شود. چنین مفاهیمی ملموس نیستند زیرا هنگامی که درباره آنها صحبت می‌کنیم تصویر خاصی از آن در ذهن ایجاد نمی‌شود. این مفاهیم ذهنی و انتزاعی در ساخت‌همراهی نشان‌دهنده حالت رویداد فعل توسط فرد می‌باشد. چنین رابطه‌ای حالت نامیده می‌شود. شایان ذکر است که در زبان فارسی رابطه‌همراهی (با) با قیدها چنین رابطه‌ای را ایجاد می‌کند. به مثال زیر توجه کنید:

۱۷- حسن با ناراحتی جلسه را ترک کرد.

در جمله فوق (ناراحتی) حالت رویداد فعل و انجام آن را نشان می‌دهد؛ (با ناراحتی) داشتن حالت روحی غمگین یا مملو از اندوه فرد را نشان می‌دهد و نقش همراهی‌شونده را در رابطه‌حالت دارند به (حسن) که همراهی‌کننده است نسبت داده شده است. این مفاهیم فیزیکی نیستند و حسی به حساب می‌آیند، اما مانند مفاهیم فیزیکی مانند (با ماشین) درون جمله با سازه‌های همراهی‌کننده و رابط (با) تظاهر می‌یابد.



نمودار ۱: طبقه‌بندی روابط

پس از دسته‌بندی معنایی و نقش ساخت همراهی، داده‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا مشخص شود که حرف اضافه (با) در ساخت همراهی با چه گروه‌های نحوی همراه می‌شود. بررسی پایین (۱۹۸۵) و هسپلمث (۲۰۰۰) نشان داده است که رابط (با) با هر گروه نحوی‌ای همراه نیست و زبان‌ها متفاوت عمل می‌کنند. در بحث زیر خواهیم دید که با توجه به داده‌های فارسی، (با) در چه حالت‌ها، جمله‌ها و گروه‌های نحوی مشاهده شده است. بنابراین به منظور مطالعه بیشتر و جامع رابطه (با) در بخش زیر توصیف می‌شود.

۴-۲- بررسی (با) در ساختارهای نحوی فارسی

در ساخت همراهی درباره چگونگی ارتباطی که توسط رابط (با) بین سازه‌های مختلف زبانی صورت می‌گیرد تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام شده است. استیسن (۲۰۰۰) با مطالعه بر روی حجم زیادی از زبان‌های دنیا دو راهکار همپایگی *with*, *and* را معرفی کرده است و با توجه به این راهکارها دو گروه زبانی را معرفی می‌نماید. براساس بررسی‌های انجام شده توسط پژوهشگران زبانی، زبان فارسی متعلق به رده زبانی *And* است زیرا در زبان فارسی دو راهکار برای همپایگی وجود دارد. راهکار همپایگی *And* یا همپایگی عطفی، راهکار همپایگی *with* یا همپایگی همراهی. از نظر استیسن (۲۰۰۰) همپایگی عطفی و همپایگی همراهی هر دو در یک ترازو و با یک ارزش معنایی قرار دارند. وی در بحث‌های رده‌شناسی خود معتقد است همپایگی اسمی هنگامی رخ می‌دهد که:

۱- گروه‌های اسمی به وقوع یک رویداد واحد دلالت داشته باشد.

۲- رویداد واحد از سوی دو شرکت کننده به‌طور همزمان (با دو مصداق جداگانه) از سوی دو فرد به وقوع پیوندد (استیسن، ۲۰۰۰).

پاین (۱۹۸۵) پژوهش‌های خود را درباره همپایگی بیشتر بر روی گروه، جمله‌واره و جمله انجام‌داد و با تأکید بر روی رده‌شناسی شبکه‌ی معنایی، انواع همپایگی را نیز مورد بررسی قرار داده است. او همچنین سلسله مراتبی از انواع عبارات را پیشنهاد می‌کند. به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد که مقوله گروهی^۱، سلسله‌مراتبی از فاعل، گروه فعلی، گروه صفتی، گروه حرف‌اضافه و گروه اسمی را تشکیل می‌دهد؛

$$S > VP > AP > PP > NP$$

برای مثال؛ در زبان فیجی^۲ حرف‌اضافه (ka) برای ارتباط جمله با عبارت حرف‌اضافه به‌کار می‌رود و حرف‌اضافه (kei) فقط برای ربط‌دادن عبارت‌های اسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. حال باتوجه به فرضیات زبان‌شناسان به دنبال یافتن پاسخ این پرسش‌ها هستیم که آیا رابط در ساخت همراهی فقط دو عبارت اسمی را به هم مرتبط می‌سازد؟ و در غیر این‌صورت، آیا رابط قادر به پیوند دو جمله‌واره یا دو جمله کامل خواهد بود؟ و سؤال دیگر اینکه احتمال وقوع کدام حالت از همه بیشتر است؟

۴-۲-۱- رابط همراهی بین دو گروه اسمی

داده‌های زبانی که تاکنون بررسی شده‌اند، نشان می‌دهند که حرف‌اضافه (با) به‌عنوان رابط همراهی برای پیوند دو عبارت اسمی به‌کار می‌رود. مثال:
۱۸- علی با مریم آمد.

در نمونه فوق، جمله شامل دو عضو شرکت‌کننده است: همراهی‌کننده (علی) و همراهی‌شونده (مریم)، که بوسیله رابط همراهی (با) به یکدیگر متصل شده‌اند. در این حالت حرف‌اضافه (با) به‌عنوان رابط همراهی برای پیوند‌دادن دو گروه اسمی استفاده می‌شود.

۴-۲-۲- رابط همراهی بین دو جمله‌واره

جمله مرکب جمله‌ای است که حداقل از دو جمله‌واره تشکیل شده باشد. مثال:

۱۹- آه ندارد که با ناله سودا کند.

داده‌ها نشان می‌دهند که حرف‌همراهی (با) می‌تواند دو گروه اسمی، دو جمله‌واره را به یکدیگر ربط دهد. در نمونه‌های زیر عملکرد آن را میان دو جمله ارزیابی می‌کنیم:

۲۰- * علی آمد با مریم رفت.

۲۱- زهرا وارد کلاس شد، با همهی دوستانش احوالپرسی کرد.

۱. Phrasal category

۲. Fijian

غیردستوری بودن (۲۰) نشان‌دهنده این مطلب است که (با) در زبان فارسی نمی‌تواند دو جمله ساده را به هم ربط دهد. بنابراین در زبان فارسی (با) میان دو جمله قرار نمی‌گیرد. در نمونه (۲۱) مکث و کامایی که میان دو جمله آمده است می‌تواند با حرف ربط (و) در زبان فارسی کامل شود. هسپلمث (۲۰۰۰) و استولز و همکارانش (۲۰۰۶) به دستورشدهگی حرف عطف (و) معتقدند. دستورشدهگی یعنی از حالت واژگانی به دستوری یا از حالت دستوری به شکل دستوری‌تری تبدیل شود. حرف ربط (و) خود نقش دستوری دارد و هنگامی که تبدیل به یک نشانه نگارشی دستوری شده است، یعنی دستوری‌تر شده است. پس در این حالت، رابط این دو جمله حرف (با) نیست.

با بررسی داده‌های زبانی، زبان فارسی به این نتیجه رسیدیم که حرف اضافه (با) به‌عنوان رابط همراهی می‌تواند موجب پیوند دو عبارت اسمی و دو جمله‌واره به یکدیگر شود به طوری که مفهوم همراه بودن را بتوان از پیوند حاصل درک نمود اما این حرف اضافه قادر به پیوند دو جمله به یکدیگر نیست (مانند نمونه‌های ۱۸-۲۱).

۴-۳- رده‌ی زبان فارسی

در بررسی رده‌های زبانی پیشنهادی استولز و همکاران (۲۰۰۶) چند معیار مشترک در همه‌ی گروه‌ها مطالعه شده‌اند. معیارهای اصلی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند شامل عاملیت، همپایگی و مالکیت هستند. عاملیت، رابطه‌ای است که بین عامل و رابط ابزاری و یا رابط همراهی وجود دارد. همپایگی، کاربرد نشانه‌های همپایگی در زبان‌های مختلف است؛ مثلاً زبانی از یک یا چندین نشانه در همپایگی استفاده می‌کند و زبانی دیگر نشانه‌همراهی را به کار می‌برد. مالکیت، یعنی برای نشان دادن روابط همراهی، ابزاری، مالکیت، مکانی و عاملیت یک نشانه مشترک به کار می‌رود یا نشانه‌های متنوعی در آن زبان مشاهده می‌شود. علاوه بر ویژگی‌های اصلی، معیارهای فرعی نیز مورد مطالعه قرار گرفتند که شامل صورت منفی نشانه‌های همراهی، مقید بودن و بی‌نشانی هستند. ویژگی مورد بررسی دیگر این پژوهش، صورت منفی (با) یعنی (بدون) و بررسی آن در ساخت‌های همراهی است که در زبان‌های متفاوت، نوع نشانه آن و روابطی که در ساخت‌های متفاوت نشان می‌دهند، کدامند. صورت منفی (با) یعنی (بدون) تقریباً در تمامی زبان‌های دنیا دیده می‌شود؛ این صورت منفی ساختار پیچیده‌تری نسبت به ساختار غیرمنفی دارد؛ در حالی که روابط همراهی و ابزاری به‌وسیله روابط بسیار ساده‌تر نشانه‌گذاری می‌شوند. ویژگی دیگر بررسی مقیدبودن یا وابسته بودن نشانه‌ها در زبان‌های مختلف است. آخرین خصوصیت بی‌نشانی است که هیچ نشانه بارزی از ساخت‌همراهی در این نوع زبان‌ها مطرح نیست.

۴-۳-۱- ویژگی‌های اصلی رده‌بندی

عاملیت

زبان‌هایی که دارای این خصوصیت هستند یک نشانه واحد را برای نشان دادن چندین مشخصه به‌صورت همزمان به کار می‌برند. به عقیده استولز و همکاران (۲۰۰۶) برخلاف رابطه ابزاری، رابطه همراهی با الگوهای

تلفیقی که ویژگی [+عاملیت] دارند، به راحتی ترکیب نمی‌شوند؛ بنابراین در زبان‌های نوع (B) و (C) تلفیق نشانه‌همراهی- ابزاری با الگوهایی با ویژگی [+عاملیت] در رابطه‌همراهی ترکیب نمی‌شوند. تنها بین حالت ابزاری در بعضی از زبان‌های نوع (C) تلفیق صورت می‌گیرد. مثال: زبان تو والان^۱ (استولز و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۲۵).

۲۲- ابزاری

Maatou e kini saale nee ia ki te pate kilikiti
We: PL: EXCL NONPAST strike often **ERG** he Y DET bat
cricket

'He'd commonly beat us up **with** a cricket bat.'

او معمولاً ما را با یک کریکت مورد ضرب و شتم قرار می‌داد.

در زبان تووالان از زبان‌های نوع (A) حرف اضافه (*ki*) به عنوان نشانه ابزاری که به شکل عنصر وابسته (Y) نشان داده می‌شود، با نشانه ارگاتیو (*nee*) در این زبان به هم وابسته شده‌اند. در حالی که در زبان فارسی نشانه ابزاری وابسته نیست و چنین حالتی را نشان نمی‌دهد. از آن گذشته، فارسی یک زبان ارگاتیو نیست و نشانه‌های تلفیقی همراهی و ابزاری در آن مشاهده نمی‌شود. مثال:

۲۳- علی با ماشینش رفت.

در این نمونه (علی) همراهی‌کننده (عامل انجام کار) و نشانه ابزاری (با) بدون اتصال (آزاد) در جمله در کنار اسم قرار گرفته است. تنها نشانه وابسته‌ای که در این جمله وجود دارد (ـش) در کنار گروه اسمی (ماشین) است که به (علی) ارجاع مالکیت می‌دهد. بنابراین در زبان فارسی هیچ نشانه وابسته‌ای در همراهی و ابزاری مشاهده نمی‌شود. پس عاملیت که از مهمترین نشانه‌های رده زبانی (A) است، زبان فارسی را متمایز می‌کند.

زبان کچوا (همان: ۱۲۶)

۲۴- همراهی- ابزاری

Chakitaklla- wan llamka-nku
Spade- X/Y work -3PL
'They work **with** spades.'

آنها با پدر کار می‌کنند.

۲۵- همراهی

Puka pikanti- ta kanka- nti- ta miku- chka-n
Puka pikanti-ACC roast -X- ACC eat -DUR-3SG
'He is eating Puka Pikanti **together with** roast-beef.'

او پوکا پیکانتی را همراه با کباب گوشت گاو می‌خورد.

زبان کچوا، از زبان‌های نوع (C) است که در آن تلفیق همراهی- ابزاری (X/Y) به طور واضح قابل مشاهده است (۲۴)؛ در این زبان رابط تلفیقی همراهی- ابزاری (-wan) در کنار رابطه‌همراهی مجزا (- nti) که هر دو

نشانه معادل (with) در زبان انگلیسی هستند؛ به کار می‌رود. در مثال (۲۵) نشانه (-nti) هیچ‌گاه برای نمایش روابط ابزاری استفاده نمی‌شود. در این زبان رابط مجزایی برای نمایش روابط ابزاری وجود ندارد و از آنجایی نشانه ابزاری با نشانه‌های ساختارگاتیو ادغام می‌شود. پس عدم وجود رابط ابزاری در این زبان حضور ساختارگاتیو را رد می‌نماید. چون در زبان فارسی رابط تلفیقی همراهی و ابزاری با ساختارگاتیو به کار نمی‌رود، بنابراین با ویژگی ساخت تلفیقی زبان‌های نوع (c) مغایرت دارد پس از نوع زبان‌های گروه (c) محسوب نمی‌شود.

همپایگی

در بیشتر زبان‌های متعلق به نوع (A)، بین رابط همراهی و نشانه (و) معادل (And در زبان انگلیسی) تلفیق صورت می‌گیرد و فقط در تعداد کمی از زبان‌های این گروه ادغام بین رابط ابزاری و نشانگر همپایگی وجود دارد. در مثال (۲۶) از زبان مالتی تلفیق همپایگی دیده می‌شود؛

زبان مالتی (همان: ۲۹۸)

۲۶- همپایگی

Nizzel gimda hobz ma' nofs maag halib
Descend-CAUS bite bread X half mug milk
'He swallowed a slice of bread **and** half a mug of milk.'

او یک تکه نان و نیم لیوان شیر را بلعید.

۲۷- همپایگی (همان: ۳۰۲)

Meta reggh-u lura mil-l-quddies had-u kikkra kafe bi-l-halib u kiswa
hobz mixwija

When return-3PL back from-DEF-Mass take-3PL cup coffee Y-
DEF-milk **and** slice. F bread roast.PTCPL.F

'When they came back from church, they had a cup of coffee **with** milk **and** a slice of toasted bread.'

وقتی که آنها از کلیسا برگشتند، یک فنجان شیر با قهوه و یک تکه نان تست خوردند.

این دو جمله دو موقعیت (خوردن) و (نوشیدن) چیزی برای صبحانه را نشان می‌دهد. در مثال (۲۷) حرف اضافه (u) که نشانه همپایگی است برای پیوند دادن مواد غذایی در صبحانه به کار رفته است. این حرف اضافه رابطه بسیار نزدیکی با حرف اضافه (ma) در مثال (۲۶) دارد. در واقع با توجه به این مثال‌ها نشانه همپایگی می‌تواند به جای نشانه همراهی به کار رود و برعکس. البته لازم به ذکر است که حرف اضافه (u) در زبان مالتی^۱ به صورت متصل و آزاد استفاده می‌شود و پذیرای نقش‌های دیگری علاوه بر ساخت همراهی است، مثال؛

۲۸- زبان مالتی (همان: ۱۳۷)

۱. Maltese

Fl-Italia- kien-u marr-u l-Kuissjarju Axisa li kien Ghawdxi mas-Supretendent Calleja

In: DET-Italy be. PERF-3pl go. PERF-3pl DET-commissioner Axisa REL
be. PERF Gozitan X: DET-superintendent Calleja

'The commissioner Axisca, who was a Goztan, had gone to Italy with superintendent Calleja.'

کمیسونر اکسیسا، که یک گزیتان بود، با سرپرست کالج به ایتالیا رفته بود. در این زبان نشانه (-u) بیانگر دو نقش است که با توجه به جایگاه قرارگرفتن آن در جمله و مفهوم جمله می‌توان به آن نقش‌ها پی‌برد. اولین نقشی که این نشانگر متصل ایفا می‌نماید جهت نشان‌دادن سوم شخص جمع است و نقش دیگر اینکه به‌عنوان *رابط تلفیقی* - همپایگی استفاده شده است. همپایگی در زبان‌های نوع (C) کمی با زبان‌های نوع (A) فرق دارد. زبان فون^۱، یکی از زبان‌های نوع (C) نمونه‌ای از الگوی تلفیقی همراهی- ابزاری و متعلق به زبان‌های نوع (And) می‌باشد. در این زبان، با توجه به مثال (۲۹) حرف اضافه (*xá*) به‌صورت مجزا به‌عنوان رابط همراهی استفاده می‌شود.

زبان فون (همان: ۱۳۲)

۲۹- همراهی

é yì sìn dùn gbé xá gbÈ tÈÈ lÈ
he go water fetch just X comrade PL
'He has just gone **with** his comrades to fetch water.'

او فقط با رفقاییش رفته است تا آب بیاورد.

۳۰- همراهی ابزاری (همان جا)

é yì sìn dùn gbé kpÓ(do) gbÈ tÈÈ lÈ kpÓ(kpán)
he go water fetch just X/Y comrade PL X/Y
'He has just gone **with** his comrades to fetch water.'

او فقط با رفقاییش رفته است تا آب بیاورد.

البته رابط تلفیقی همراهی- ابزاری در این زبان، رابط متناوب (*kpÓ(do) kpÓ(kpán)*) است. این رابط علاوه بر اینکه نشانه ساخت همراهی است، برای نشان دادن همپایگی نیز به‌کار می‌رود. در زبان فارسی، حرف اضافه (با) در ساخت همراهی دارای دو نقش دستوری متفاوت است، یکی به‌عنوان رابط و پیونددهنده که غیرافزوده است و دیگری هسته گروه حرف اضافه که در چنین شرایطی افزوده محسوب می‌شود. در اینجا فقط به بررسی گروه اول می‌پردازیم، در گروه اول که ساخت همراهی متقارن نامیده می‌شود، حضور سازه‌های [گروه اسمی] و [با + گروه اسمی] ضروری می‌باشد، در سازه [با + گروه اسمی] تکواژ دستوری (با) به‌عنوان ربط دهنده یا پیوند دهنده بوده و حرف اضافه نیست، مانند:

۳۱- سارا با سمیرا خواهر است.

۱. Fon

در نمونه بالا [با + گروه اسمی] یک افزوده نیست و نمی‌توان آن را از جمله حذف نمود، زیرا با حذف آن، جمله مفهوم خود را از دست می‌دهد. خواهر بودن رابطه‌ای است که بین دو عبارت اسمی [سارا] و [سمیرا] برقرار است و هر دو عامل اجزای رویداد فعل هستند. در این جمله می‌توان به جای تکواژ دستوری (با) از نشانه پیونده (و) نیز استفاده کرد:

سارا و سمیرا خواهر هستند.

بنابراین دو گروه اسمی (سارا با سمیرا) و (سارا و سمیرا) در نمونه‌های بالا قرابت معنایی دارند. اکنون به نمونه‌ای از رابطه ابزاری توجه نمایید:

۳۲- علی با اسبش آمد. (وسیله حمل و نقل جاندار)

در جمله بالا، تکواژ دستوری (با) به‌عنوان رابط ابزاری به کار رفته است. با جابجایی این رابط با نشانه همپایگی عطفی، تغییری در مفهوم جمله پدید نمی‌آید:
علی و اسبش آمدند.

در این جمله نیز تکواژ دستوری (با) در مفهوم همپایگی عطفی ظاهر شده است. بر طبق دلایلی که ذکر شد، نشانه تلفیقی همراهی - ابزاری یعنی رابط (با)، در زبان فارسی در مفهوم همپایگی نیز استفاده می‌شود. این نوع ویژگی فقط در زبان‌های نوع (B) دیده می‌شود. با توجه به بررسی انجام شده و ذکر شواهد مربوط، زبان‌های نوع (A) و نوع (C) دارای چنین ویژگی‌هایی نیستند.

- مالکیت:

در زبان کانوری^۱، از زبان‌های نوع (A)، تکواژ متصل (-a) برای نشان دادن رابط همراهی و تکواژ متصل (-lan) نشانه‌ی رابط ابزاری می‌باشد.

۳۳- رابطه همراهی (استولز و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۴۹)

Áli kámunzáð-a íshin
Ali wife - X comes
'Ali is coming **with** his wife.'

علی با همسرش می‌آید.

۳۴- رابطه ابزاری

dâ jána-lan kámgada
meat knife- Y cut:3PL
'They cut the meat **with** a knife.'

آنها گوشت را با چاقو بریدند.

۳۵- مالکیت

kèri ádè sémo kurùwu-a
dog this ear long-a
'This dog has long ears.'

۱. Kanuri

این سگ گوش‌های درازی دارد.

در این زبان، در رابطه همراهی، ($-a$) با اتصال به همراهی شونده برای نمایش رابطه‌همراهی و مالکیت به کار می‌رود. پس در زبان کانوری نشانه مالکیت به صورت تلفیقی فقط با نشانه همراهی به کار می‌رود و تلفیقی بین رابط ابزاری و نشانه مالکیت صورت نمی‌پذیرد.

در مقایسه با زبان کانوری، زبان بامونکان^۱ از زبان‌های نوع (C)، دارای دو نشانه برای روابط‌همراهی می‌باشد. رابط‌های همراهی در این زبان (ni), ($ni \dots \dots ye$) می‌باشند. همچنین در این زبان، از تکواژ دستوری (fe) علاوه بر نشان دادن رابط تلفیقی همراهی- ابزاری، برای بیان نقش‌هایی مانند مالکیت، جایگاهی و عامل منفعل استفاده می‌شود و رابط مجزا صرفاً برای نشان دادن رابطه همراهی استفاده می‌شود (استولز و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۵۱).

در زبان فارسی رابط تلفیقی همراهی- ابزاری (با) علاوه بر نشان دادن روابط‌همراهی و روابط‌ابزاری، برای بیان مالکیت نیز کاربرد دارد. مثال:

۳۶- دختری با چشم‌های سبزرنگ، پرستار من بود.

در ساخت مالکیت، همیشه دو عضو حضور دارند؛ یکی مالک و دیگری مملوک که حضور هر دو عضو الزامی است، رابطه بین این دو عضو توسط ساخت مالکیت بیان می‌شود. این رابطه، یک رابطه نامتقارن است که در آن مملوک همیشه متعلق به مالک است و عکس این رابطه وجود ندارد. در مالکیت از نوع بایی (همراهی)، همراهی‌کننده مالک و همراهی‌شونده مملوک هستند. برطبق ساخت همراهی، در زبان فارسی در نمونه (۳۶) عبارت اسمی (دختری) در نقش همراهی‌کننده و عبارت اسمی (چشم‌های سبز رنگ) در نقش همراهی‌شونده و مملوک ظاهر شده‌اند. این عبارات اسمی بوسیله رابط (با) به یکدیگر متصل هستند؛ بنابراین عبارت اسمی (دختری) علاوه بر اینکه توسط عبارت اسمی (چشم‌های سبز رنگ) توصیف شده است، مالک آن نیز هست و (چشم‌های سبز رنگ) به (دختری) تعلق دارد.

در هیچ‌کدام از زبان‌های نوع (A) و نوع (C) رابط همراهی و رابط ابزاری مشترک برای نشان دادن ساخت مالکیت به کار نمی‌رود. پس با توجه به یکسان بودن خصوصیات زبان‌های نوع (B) با زبان فارسی در زمینه مالکیت، فرضیه تعلق این زبان به گروه زبان‌های نوع (B) پذیرفتنی است.

۴-۳-۲- معیارهای فرعی رده‌بندی

بدون

با پژوهش بر روی زبان‌های دنیا بوسیله پژوهشگران زبان‌شناسی صورت منفی (با) در تمام زبان‌های دنیا مشاهده شده است. این شکل منفی نیز مانند معادل مثبت خود، بین عضو همراهی‌کننده و عضو

همراهی‌شونده رابطه‌ای از نوع مخفی ایجاد می‌نماید. در زبان هیکسکارانی^۱ از زبان‌های متعلق به نوع (A)، با توجه به متمایز بودن رابط همراهی و رابط ابزاری، صورت منفی آنها نیز با هم متفاوت هستند.
۳۷- همراهی مثبت (همان: ۱۶۸)

í-to-no Waraka y-akoro
1SG-go-PAST Waraka POSS-3SG-X
'I went **with** Waraka.'

من با وارا کا رفتم.

۳۸- همراهی منفی

ro-hetx y-akoro-hra k-omok-no
POSS.1SG-wife POSS.3SG-X-NEG 1sg-COME-past
'I came **without** my wife.'

من بدون همسرم آمدم.

۳۹- ابزاری مثبت

watma ke me-taha-no
club Y 2SG-strike-PAST
'Did you hit me **with** a club?'

آیا با چوبدستی به او ضربه زده‌ای؟

۴۰- ابزاری منفی

watma-hn̄i ke mekmtxho ke haxa we-taha-no
club-NEG Y hammer Y CONTR 1SG-strike-PAST
'It was **not with** a club but **with** a hammer that I hit him.'

آن چوبدستی نبود، با یک چکش بود که او را زدم.

در این زبان، در حالت منفی همراهی، پسوند متصل (-hra) به صورت مثبت آن یعنی تکواژ متصل (-akoro) می‌چسبد و در معنای (بدون) به کار می‌رود. در صورت منفی رابطه ابزاری نیز، پسوند منفی‌ساز (-hn̄i) به اسمی که نشانگر ابزار است متصل می‌شود و رابط ابزاری برخلاف رابط همراهی به صورت آزاد به کار می‌رود. با توجه به این بررسی معلوم می‌شود که در زبان‌های نوع (A) صورت منفی رابطه همراهی و ابزاری مانند صورت مثبت آن با یکدیگر فرق دارند و از یک رابطه مشترک برای نشان دادن صورت منفی در ساخت همراهی استفاده نمی‌شود.

در زبان مجارستانی^۲ از زبان‌های نوع (C) از نشانه متصل (-stul/stül) صرفاً برای نمایش روابط همراهی و از نشانه متصل (-val/vel) برای نشان دادن روابط تلفیقی همراهی - ابزاری استفاده می‌شود.

۴۱- همراهی (همان: ۱۰۲)

család-o-stul el-költöz-ö-m

1. Hixkaryána

۲. Hungarian

Family-LIG-X away-move-LIG-1SG
'I move **with** my family.'

من با خانواده‌ام نقل مکان می‌کنم.
۴۲- همراهی: همراهی - ابزاری

család-o-dal költöz-ö-m el
family-X/Y move-LIG-1SG away
'I move **with** my family.'

من با خانواده‌ام نقل مکان می‌کنم.
۴۳- ابزاری: همراهی - ابزاری

ceruzá-val ír-t-unk
pen-X/Y write-PAST-1PL
'We wrote **with** a pen.'

ما با یک خودکار نوشتیم.

باتوجه به مجزا بودن نشانه رابطه‌همراهی و رابطه‌تلقیقی همراهی - ابزاری صورت منفی یکسان (*nélkül*) به معنای (بدون)، در این زبان استفاده می‌شود (استولز و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۶۹).
در زبان فارسی، صورت منفی ساخت همراهی حرف اضافه (بدون) است و فقط از همین صورت منفی برای منفی کردن رابطه همراهی و رابطه ابزاری استفاده می‌شود. مثال:
۴۴- آنها بدون اتومبیل شخصی به مسافرت رفتند.

در اینجا کاربر بدون به کارگرفتن ابزار مبادرت به انجام کاری که همان رویداد فعل است نموده است. صورت منفی برای روابط همراهی و ابزاری در زبان‌های نوع (B) یکسان است. صورت منفی در ساخت‌همراهی زبان‌های نوع (B) و نوع (C) مشابه است، اما نگارنده معتقد است که زبان فارسی به گروه زبان‌های نوع (B) تعلق دارد زیرا در این زبان، نشانه‌ای واحد برای هر دو رابطه همراهی و ابزاری هست، اما در زبان‌های نوع (C) برای نمایش روابط همراهی و ابزاری از نشانه‌های متفاوتی استفاده می‌شود.

مقید بودن

در زبان‌های نوع (A)، برای نمایش آزاد یا وابسته بودن رابط همراهی یا ابزاری چهار شکل متفاوت وجود دارد؛ در حالت اول مانند زبان (ترومای) هر دو رابط همراهی و ابزاری تکواژ وابسته می‌باشد. حالت دوم که در زبان (اینو)^۲ دیده می‌شود، رابط‌های همراهی و ابزاری تکواژ دستوری آزاد هستند و در سومین حالت، رابط همراهی به صورت تکواژ آزاد و رابط ابزاری به صورت تکواژ وابسته به کار می‌رود. مصداق این حالت را می‌توان

۱. Trumai

۲. Ainu

در زبان (سو)^۱ به وضوح مشاهده کرد. آخرین حالت مربوط به زبان (هیگسکارانیا) است که در آن رابط همراهی تکواژ وابسته و رابط ابزاری تکواژ آزاد می‌باشد.

در زبان‌های نوع (C) نیز نشانه رابط به صورت‌های متفاوتی به کار می‌رود. در زبان (ساراماگان)^۲ رابط‌های ساخت‌همراهی به صورت متصل استفاده می‌شوند. در زبان‌هایی مانند زبان ایسلندی ترکیبی از هر دو نوع رابط آزاد و مقید وجود دارند. در این زبان رابط همراهی با تکواژ دستوری مقید (*u-*) و رابط تلفیقی همراهی - ابزاری با تکواژ دستوری آزاد (*mey*) نشان داده می‌شود. بنابراین زبان‌های نوع (C) نیز مانند زبان‌های نوع (A) شیوه متفاوتی برای به کار بردن رابط دارند.

در مجموع ۷۹ زبان از نوع (B) مورد مطالعه استولز و همکاران (۲۰۰۶)، ۵۵ زبان یعنی حدوداً ۷۳ درصد زبان‌ها مثل زبان فارسی، از تکواژ آزاد برای نمایش رابط تلفیقی همراهی - ابزاری خود استفاده می‌کنند؛ ۴۵ - سعید با سارا ملاقات کرد.

بر طبق بررسی‌های انجام‌شده در مجموع داده‌های زبان فارسی، از تکواژ مستقل (با) برای نشان دادن روابط تلفیقی همراهی - ابزاری استفاده شده است. همچنین به دلیل اینکه رابط تلفیقی همراهی - ابزاری در این زبان وجود دارد، زبان فارسی به زبان‌های نوع (B) نزدیک‌تر است. به عقیده نگارنده بدلیل منطبق بودن خصوصیات مقید بودن زبان فارسی با زبان‌های نوع (B) این زبان در گروه (B) قرار می‌گیرد.

بی‌نشانی

در تحقیقات زبان‌شناسی ویژگی بی‌نشانی در تعداد کمی از زبان‌ها مشاهده شده است. در پیکره زبانی که استولز و همکاران (۲۰۰۶) مورد بررسی قرار دادند با پنج زبان از زبان‌های نوع (A) با نام‌های کوبون^۳، ماتاکو^۴، مانگاری^۵، سالت - یوآی^۶ و تریکویی^۷ مواجه شدند که با وجود داشتن ساخت‌همراهی، هیچ نشانه بارزی برای بیان رابطه ابزاری نداشتند، اما در همه این زبان‌ها حالت همراهی بوسیله یک رابط مشخص شده بود، گویشوران قادرند رابطه ابزاری آنها را با عدم وجود نشانه ابزاری آشکار درک نمایند.

علاوه بر وجود بی‌نشانی در زبان‌های نوع (A)، نوع متفاوتی از این ویژگی در زبان‌های نوع (C) نیز دیده می‌شود. در زبان تیری یکی از زبان‌های نوع (C)، از ضمائر برای نشان دادن روابط همراهی استفاده می‌شود؛

۱. So

۲. Saramaccan

۳. Kobon

۴. Mataco

۵. Mangaryi

۶. Salt- yui

۷. Triqui

بدین صورت که هرگاه ضمایر رفتاری شبیه به حروف اضافه داشته باشند، در نقش رابط همراهی به کار رفته‌اند، اما رابطه ابزاری در زبان تیری تنها با حرف اضافه (*nri*) قابل تشخیص است. در مقایسه با زبان‌های نوع (A) و نوع (C) بی‌نشانی خصوصیتی است که در هیچ یک از زبان‌های نوع (B) دیده نشده است و با اطمینان می‌توان گفت که در صورت وجود ویژگی بی‌نشانی در یک زبان، آن زبان متعلق به زبان‌های گروه (B) نیست. در پیکره جمع‌آوری شده مورد بحث در این پژوهش حضور رابط تلفیقی همراهی و ابزاری در تمامی نمونه‌ها به وضوح دیده شده است. زبان فارسی جزو پنج زبان دارای ویژگی بی‌نشانی نیست؛ پس به گروه زبان‌های نوع (A) تعلق ندارد. همچنین در هیچ یک از نمونه‌های زبان فارسی، ضمایر در جایگاه نقش رابط همراهی- ابزاری استفاده نشده است؛ بنابراین در دسته زبان‌های گروه (C) نیز قرار نمی‌گیرد. اما با توجه به خصوصیت بی‌نشانی، ویژگی‌های منطبق زبان فارسی با زبان‌های گروه (B) به فراوانی موجود است.

جمع‌بندی مطالب و بررسی داده‌ها این‌گونه است که در هر سه نوع رده‌زبانی به صورت مشترک علاوه بر ویژگی‌های اصلی عاملیت، همپایگی و مالکیت، زیرمجموعه‌های فرعی مانند بدون، مقیدبودن و بی‌نشانی جزء معیارهای تعیین‌کننده نوع رده‌زبانی بودند اما نحوه عملکرد هر یک از زبان‌ها آنها را متمایز نموده است. همان‌طور که خواننده‌اید، استولزو همکاران سه نوع رده‌زبانی را به نام‌های رده‌های زبانی (A)، (B) و (C) را مشخص نموده‌اند. آنها برای دسته‌بندی خود معیارهای مشخصی را تعیین نموده و با استفاده از آن معیارها، زبان‌ها را در سه گروه متمایز از یکدیگر قرار داده است. زبان فارسی نیز با توجه به مقایسه همین معیارها با دیگر زبان‌ها، در رده زبانی نوع (B) دسته‌بندی می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

در زبان فارسی ساخت‌همراهی با حرف اضافه (با) نشان داده می‌شود. اولین مفهومی که از این حرف اضافه استنباط می‌شود مفهوم همراهی است. در زبان فارسی، سه نوع رابطه برای ساخت همراهی وجود دارد که هر سه نوع رابطه با تکواژ دستوری (با) نشان داده می‌شود. این سه رابطه شامل رابطه‌همراهی، رابطه ابزاری و رابطه حالت است. رابطه‌همراهی شامل سه زیرمجموعه به عبارت: الف) همراهی یک جاندار با جاندار دیگر، ب) همراهی یک جاندار با خودش، ج) رابطه چندین جاندار در یک گروه و رابطه ابزاری نیز دارای زیرمجموعه‌های الف) شیء به‌عنوان ابزار ب) وسایل حمل و نقل (جاندار و غیر جاندار، ج) عضو بدن و د) ابزار جاندار هستند. در رابطه‌حالت، همراهی‌شونده در این رابطه حالت و کنش همراهی‌کننده را نشان می‌دهد و همراهی‌کننده با حالت خود مانند ترس یا شادی همراه شده است. در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش باید گفت که از بارزترین ویژگی‌های ساخت همراهی در زبان فارسی دارا بودن یک شکل ساختواژی انفرادی برای نشان دادن هر سه رابطه همراهی، ابزاری و حالت است که این ویژگی با زبان‌های نوع B مطابقت دارد. علاوه بر این ویژگی، بررسی داده‌های فارسی برطبق معیارهای اصلی تلفیق شامل عاملیت،

همپایگی و مالکیت و همچنین ویژگی‌های فرعی مانند مقید بودن، بدون و بی‌نشانی نشان می‌دهد که ساخت‌همراهی در این زبان با زبان‌های نوع B مطابقت دارد.

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۰)، فرهنگ سخن، تهران: انتشارات سخن.
- خطیب رهبر، خلیل (۱۳۶۷)، دستور زبان فارسی، تهران: مهتاب.
- شریعت، محمد جواد (۱۳۷۲)، دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات اساطیر.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۴۹)، «حروف اضافه در فارسی معاصر»، نشریه‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی (پنج استاد)، تهران: انتشارات اشرفی.
- مختاری، شهره و رضایی، حدائق (۱۳۹۲)، «بررسی شبکه معنایی حرف اضافه‌ی (با) در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۹، ۷۳-۹۴.
- مشکوة الدینی، مهدی (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۳)، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: توس.
- واعظی، هنگامه (۱۳۹۴)، «ساخت‌های همراهی در زبان فارسی: تحلیلی معنابنیاد»، مجموعه مقالات برتر، سومین همایش ملی زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد: به کوشش سید محمد حسینی معصوم و شهلا شریفی، نشر نویسه پارسی.
- همایونفرخ، عبدالرحیم (۱۳۶۳)، دستور جامع زبان فارسی، شرکت چاپ و انتشارات علمی.
- Haspelmath, M (2000), Coordination . In: Shopen, Timothy (ed). *Language typology and linguistic description*, 2nd edition. Cambridge: Cambridge university press.
- Marantz, A.p.(1984), *on the nature of grammatical relations*. Cambridge,MA: the MIT Press.
- Payne, John R.(1985), Complex phrases and complex sentences. *Language typology and syntactic description* vol. 2: complex constructuin, ed. By Timothy shopen. Cambridge university press.
- Stassen, Leon (2000), AND-language and WITH- languages. *Linguistic typology* 4, 1-54.
- Stolz, Thomas, Cornelia Sttoh & Aina Urdze (2006), *on comitatives and related categories: a typological study with special focus on the language of Europe*. Berlin & New York: Mouton de Gruyter.